بررسی سندی روایت هشام بن سالم

> **وباسناده عن أبي غالب الزراري، عن أحمد بن محمد، عن عبد الله بن أحمد، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال في يوم الشك: من صامه قضاه وإن كان ذلك، يعني من صامه أنه من شهر رمضان بغير رؤية قضاه، وإن كان يوما من شهر رمضان لان السنة جاءت في صيامه على أنه من شعبان، ومن خالفها كان عليه القضاء[1]**

«وباسناده»؛ اسناد شیخ در تهذیب. **«عن أبي غالب الزراري، عن أحمد بن محمد، عن عبد الله بن أحمد، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام».**

به نظرم مرحوم مجلسی در ملاذ نسبت به سند این روایت تعبیری صحیح را دارند. خیلی‌ها هم تعبیری به صحیحه هشام می‌کنند. مستمسک و ... . شاید مرحوم صاحب جواهر تعبیری خبر دارند. در مستند مرحوم آقای خوئی گفته‌اند «صحیحة بلااشکال». بعد گفته‌اند اگر چه در مصباح الفقیه به خبر هشام تعبیری کرده‌اند که مشعر به ضعف است. حاج آقا مکرر می‌گفتند بنده زیاد دیده‌ام با این‌که صحیحه مسلّم است، صاحب جواهر به خبر تعبیری می‌کند. منظورشان این بود که همه جا تقید ندارد وقتی روایت را آوردند، اگر صحیح است، بگویند که صحیح است. گاهی صحیحه را تعبیری به خبر می‌کنند. حاج آقا زیاد می‌فرمودند. ولی ایشان در مستند عروه تعبیری خبر حاج آقا رضا را مشعر به ضعف گرفته‌اند. البته معلوم نیست که مرام حاج آقا رضا این باشد. حال باید بیشتر تفحص کنیم. حاج آقا نسبت به جواهر زیاد می‌فرمودند صاحب جواهر جاهایی که معلوم است روایت صحیح است، از تعبیری خبر استفاده می‌کنند.

چیزی که مهم است، این است که ایشان می‌گویند صحیح است. در مستمسک هم می‌گویند صحیح است. در خیلی از کتابها دیده‌ام که تعبیری به صحیح می‌کنند. در نرم‌افزار تعبیری می‌کند به موثق. کجا سند حرف دارد؟ احمد بن محمد. ابو غالب زراری از احمد بن محمد نقل کرده است. احمد بن محمد چه کسی است؟ احمد بن محمد بن عیسی اشعری، احمد بن محمد خالد برقی؟ آیا ابو غالب زراری می‌تواند از آنها نقل کند؟ اینها متقدم هستند. ابوغالب بعد از مرحوم کلینی است. شاگرد محمد بن یعقوب است. استاد شیخ مفید به حساب می‌آید. زراری هم از نواده‌های دختری زراره است. محقق کتاب در شرح مشیخه فقیه آورده‌اند: خودشان گفته‌اند تا جد ام سلیمان همه به ام می‌گفتند بنی جهم. اما امام هادی علیه‌السلام به جد ام سلیمان گفتند که شما زراری هستید. از ایشان کنایه می‌آوردند که زراری هستید. آنها همه نواگان پسری بکیر بن اعین هستند، یعنی زراره عموی آنها از بالا می‌شود. ولی نوه زراره، دختر عبید بن زراره، مادر حسن بن جهم به حساب آمده است. لذا امام به این خاطر که زراره معروفتر بوده، امام علیه‌السلام آنها را به جد امّی آنها که زراره است،

نسبت داده‌اند و زراری گفته‌اند. ابو غالب زراری؛ خودش هم احمد بن محمد است.

خب بنابراین ابی غالب زراری خوب است. اسناد شیخ به ابی غالب زراری توسط استادشان شیخ مفید است. شیخ الطائفه زیاد از استادش شیخ مفید از ابو غالب زراری نقل می‌کند. «عن احمد بن محمد»؛ کسی که بعد از طبقه شیخ کلینی است، نمی‌تواند از احمد بن محمد بن عیسی نقل بکند. چطور شد که می‌گویند «صحیح بلا اشکال»؟ در نرم‌افزار می‌گویند احمد بن محمد، مردد بین یکی از آن دو تا است؛ یکی احمد بن محمد زهری و دیگری احمد بن محمد بن عقده است. می‌گویند یکی از آن دو تا است، لذا توثیق این دو از منظر امامی و شیعی بودن ثابت نیست، لذا موثق است. مرحوم مجلسی که فرمودند صحیح است. عرض کردم بسیاری از کتب هم همینطور است. در مستند عروه که می‌گویند «صحیح بلااشکال».

یک روایت هست که مرحوم صدوق نقل می‌کنند؛ به نظرم در علل است. ابوغالب زراری از احمد بن عبدالله برقی نقل می‌کند. احمد بن عبدالله همان احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد برقی است. چطور در اینجا ابو غالب از او نقل می‌کند؟

> 30:24

شاگرد: سند چه بود؟

استاد: به نظرم در علل بود که ابوغالب زراری از احمد بن عبدالله برقی نقل می‌کند. این ممکن هست یا نیست؟ چطور می‌شود؟ خب حالا سؤال بعدی این است: «عن عبد الله بن احمد»، ایشان کیست؟ ظاهراً این نهیک است. عبد الله بن احمد عن محمد بن ابی عمیر. خب اگر احمد بن محمد بن عقده باشد، آنها نمی‌توانند از ابن نهیک نقل کنند. یعنی باز دوباره واسطه می‌خواهد، درحالی‌که من ندیده‌ام گفته باشند. خب حالا آمدیم و احمد بن محمد که ابوغالب از او نقل می‌کند، ابن عقده باشد، درحالی‌که ابن عقده نمی‌تواند از عبد الله بن احمد نهیک روایت کند. چون او جلو است. از ابن ابی عمیر نقل می‌کند. البته به‌طور قطع عرض نمی‌کنم. به این عنوان عرض می‌کنم که فاصله زیاد است. آیا در سند چیزی افتاده است که محل نیاز است که اضافه بشود؟ یا طور دیگری باید حرف زد. علی ای حال تعبیری «صحیحة بلا اشکال» که در مستند دارند، نمی‌دانم در نظر شریف‌شان چطور بوده است. همانطور که عرض کردم ایشان در مستند در عبد الکریم بن عمرو را می‌گویند صحیح است. خب این برای سند است. انشاءالله مراجعه کنید و ببینید بین احمد بن محمد با عبد الله بن احمد می‌تواند فاصله پر شود یا نه؟ اگر ابن عقده است چطور از ابن نهیک روایت می‌کند؟ اگر خود احمد بن محمد برقی است، او می‌تواند از ابن نهیک نقل کند اما ابوغالب چطور از او نقل می‌کند؟ دومی آسان‌تر است، چون در سند علل هم آمده است. در علل بود؟

شاگرد: این چیزی که فرمودید نبود. مگر اینکه چیز دیگری باشد.

استاد: این حدیث ما نیست، سند دیگری است. احمد بن عبدالله برقی را بزنید و ببینید آن سند می‌آید یا نه. شاید در کتاب دیگر صدوق باشد. منظور من این است که ابو غالب زراری از برقی نقل می‌کند. این را می‌توانیم تصحیح کنیم، به چه صورت؟ به این صورت که ابوغالب کتابی یا واسطه‌ای داشته که نزد شاگردان او معلوم بوده است. مثلاً ابوغالب می‌گفته وقتی من از برقی نقل می‌کنم این واسطه من است. مثل مشیخه‌ای که در کتاب‌ها هست. این بیشتر به ذهن می‌آید تا درستش کنیم.

مرحوم فیض رجال را خلاصه می‌کنند؛ در وافی می‌گوید ابی غالب عن احمد، از اینجا معلوم می‌شود که ابن عقده و زهری در ذهن مرحوم فیض نبوده است. کما اینکه مرحوم مجلسی در ملاذ الاخیار می‌گوید که صحیح است. اگر ابن عقده بودند که ایشان نمی‌گفتند صحیح است. اینکه مرحوم مجلسی

می‌گویند صحیح است و مرحوم فیض می‌گویند «عن احمد»، معلوم می‌شود این عقده در ذهن این بزرگواران نبوده است. چون احمد به‌صورت خالصه همان دو عزیز برقی و اشعری هستند. فعلاً این چیزی است که من نگاه کرده‌ام تا ببینیم سند باید چطور سر برسد. احمد بن محمد برقی می‌تواند از نه‌یک نقل بکند. در نرم‌افزار هم برای ابو غالب در «روی عنه»، برقی آمده است. آن جا را ببینید.

شاگرد: «روی عن» یعنی از چه کسانی روایت کرده است.

استاد: یکی از آن‌ها احمد بن محمد برقی بود.

شاگرد: نه در «روی عن» و نه در «روی عنه» نیست.

استاد: آخر کار هم رفتید؟

شاگرد: بله.

شاگرد۲: در نرم‌افزار زهری و این عقده را به‌عنوان اساتید او نام می‌برد.

استاد: بله، این را عرض کردم. صحبت سر این است که ابوغالب زراری از این دو نفری که شما گفتید به‌عنوان مردد روایت کرده است. از احمد بن محمد عبدالله برقی یادم هست که بود. حالا دوباره مراجعه می‌کنم. فعلاً در مورد سند این روایت مراجعه کنید و ببینید که علماء چه فرموده‌اند. راجع به متن حدیث قبلاً بحث‌هایی شده است. چیزی که می‌خواهم در متن حدیث تذکر بدهم، مربوط به بحثی است که شروع کرده‌ایم. مفاد حدیث هشام مانند مفاد حدیث اول است.

---

[1] همان، ج۷ ص۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 14:50:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 14:51:50 توسط ... .